

لایحه ای برای رستاخیز سیمرغ

امیرفیض- حقوقدان

ایران‌یارگرای آقای سعید قاسمی

با احترام - حضرتعالی دربرنامه تلویزیونی رستاخیز سیمرغ، کسانی که مدعی اند ایرانیان خارج از کشور رهبری ندارند را متهم به جانبداری از جمهوری اسلامی کرده اید.

بنده امیرفیض که ممکن است آشنای حضرتعالی نباشم و آنهم بدلیل سابقه حضور بنده درمبارزه از سال ۱۳۵۸، با اظهارنظر سرکارمخالفم، و چون مورد از موارد اساسی است لازم شد که درقضیه ورود داشته باشم.

بدلایلی که به کرات از سال ۵۸ درنشریه سنگر ویا درتحریرات که اکنون درسایت ۴۰۰ سال (اینترنت) و یا گوگل (زیر پژوهش «امیرفیض حقوقدان») در دسترس است؛ اعلیحضرت رضا شاه دوم رهبر قانونی و نمادین و بنیادین ایرانیانی است که قائل به مشروعیتی برای جمهوری اسلامی نیستند.

سند مشروعیت رهبری اعلیحضرت مشتمل بر دو باب است یکی سنت سلطنت که قوام یافته از منش و فرهنگ ایرانی و نیز تصریح و تائید ادیان زرتشت و اسلام است و باب دوم، تبدیل حقوق باب اول به نص که بموجب قانون اساسی مشروطه و متمم آن با ۷۰ سال سابقه اجرایی و دستاورد های حقوقی و اجتماعی و اقتصادی درخشانی همراه است.

محتوا و مفهوم رهبری اعلیحضرت در نص قانون اساسی مشروطیت که سند مشروعیت مبارزه ماست همان قدرت معنویت است که قانون اساسی و سنت مشروطیت حصاری حقوقی بین قدرت معنوی و قدرت مادی شاه بوجود آورده است.

از زمان پیروزی شورشیان؛ رهبری شاه بر ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی بالقوه وجود داشته است ولی بالفعل وجود نداشته است؛ زیرا حقیقت مزبور دستاورد تداوم مشروعیت قانون اساسی مشروطیت و عدم مشروعیت جمهوری اسلامی است.

نام شاه که اکنون از قلبها بر زبان ها آمده همان قدرت معنویت و نمادین اعلیحضرت است که قادر به انجام کاری عملی در جهت نجات ایران نیست، و این قدرت در کنار قدرت مادی که باید بوسیله قدرت معنوی اعلیحضرت تبیین گردد میتواند قدرت رهبری را مشکل سازد.

قدرت رهبری برای براندازی جمهوری اسلامی فقط بیان موضع نیست (سخرانی و مصاحبه) بلکه اصدار فعل است در جهتی که جنبه اجرایی داشته باشد، مانند تشکیل دولت که در صدر وظائف قدرت معنویت قرار گرفته است. نظرا اعلیحضرت هم همین است که عرض شد.

اعلیحضرت در مصاحبه با رادیو بین المللی فرانسه در سال ۱۳۷۷ میفرمایند:

<کارهای اجرایی در نقشی من نیست و در نقشی دولت است.>

(مشروح درسنگراول فروردین ۱۳۷۷ سنگر شماره ۲۵۸+۳۳۲)

قدرت معنویت شاه بدون وجود قدرت اجرایی جنبه تقدسی دارد نه کارسازی. و نیز قدرت اجرایی بدون قدرت معنویت شاه که تنها با فرمان اعلیحضرت موجودیت خواهد یافت، قدرت بی ریشه و ناقابل برای تحویل مردم است.

اینکه اعلیحضرت ظرف ۴۰ سال گذشته گامی در جهت استفاده از قدرت معنویت برای فعلیت دادن به قدرت اجرایی مبارزه نفرموده اند، واقعیتی تلخ است که نمیتوان کتمان کرد؛ آنجا که فرمودند: >هرچه اصرار کنید نه کسی را تعیین میکنم و نه رهبری میکنم< رساگر جدائی قدرت معنوی و قدرت اجرایی است.

علت توقف اعلیحضرت در پایگاه معنویت و پشت کردن به مواضع اجرایی قانون اساسی از قبیل تشکیل دولت و یا فرماندار مبارزه و امثال آن یعنی ورود به کارزاری که جنبه عملی داشته باشد:

تحریم سیاسی اعلیحضرت بوسیله وزارت خارجه آمریکاست که اعلیحضرت را از هر نوع فعالیت در جهت تداوم سلطنت ممنوع ساخته است و لاجرم اعلیحضرت نمیتواند از قدرت معنویت سلطنت برای ایجاد پایگاه قدرت اجرائی استفاده بفرماید.

خواهش دارم به مهم مزبور توجه فرمائید.

اجازه فرمائید متعجب باشم که سرکارمانع رهبری اعلیحضرت که قید و بند محکم وزارت خارجه آمریکا و مشهور به طرح هنری پرشت است، را مطمح نظر ندارید.

عرائضی در باب عنوان اعلیحضرت

عنوان قانونی و مشروع اعلیحضرت همانطور که خودشان در مصاحبه باراديو فرانسه فرموده اند:

>نام من رضا پهلوی است و اگر بخواهید عنوان رسمی به آن نصب کنید، من بعنوان رضاشاه دوم نامیده میشوم<.

مشروح درسنگر ۱۵۹+۳۳۲ و بسیاری از نوشته های دیگر

➡ مفهوم بیان اعلیحضرت این است که اگر کار سیاسی و رسمی میکنید؛ عنوان من رضاشاه دوم است؛ و اگر کار خصوصی و تفریح میکنید؛ عنوان من رضاپهلوی است؛ مبارزه کار سیاسی و رسمی است.

➡ عنوان قانونی و رسمی رضاپهلوی بدون منظورداشتن تحریم سیاسی ولیعهد قانون اساسی، اعلیحضرت رضاشاه دوم است و با منظورداشتن تحریم سیاسی و طرح هنری پرشت نام ولیعهد گروگان شده میشود، والا حضرت شاهپور رضا پهلوی نه «شاهزاده رضاپهلوی».

عنوان شاهزاده که از القاب دوران قاجار است در زمان سلطنت رضاشاه کبیر لغو و بجای آن والا حضرت انتخاب گردید. عنوان شاهزاده که مخفف آن همان شازده است اهانت و توهین است.

سرلشگر جهانبانی در خاطراتش نوشته است؛ از کرج با اسب با دوستان بتهران میآمدیم در قهوه خانه کاروانسرای سنگی برای صراف جای پیاده شدید دیدم مرتبا قهوه چی شاگردش را شازده صدا میکند حیرت کردم، که یک شازده که مخفف همان شاهزاده است در این جا شغل شاگردی دارد! از قهوه چی

سوال کردم که این شاگرد شما از کدام سلسله شاهزادگان است؟ گفت: ای آقا ما هر که کون گشاد است را شازده خطاب میکنیم.

شاهزاده ویا شازده لقب آدم های بیکار، خوشگذران، بدون مسئولیت و ولخرج است، بکار بردن لقب شاهزاده برای اعلیحضرت رضا پهلوی ظلم فاحش به مبارزه است، و مفهوم آن قبول وتانید وتبعیت طرح هنری پرشت است.

نمیتوانم باور کنم که حضرتعالی ازتسلطنت گروگان وطرح هنری پرشت آگاه نباشید، معهذا تکلیف دارم که در صورت علاقمندی وتقاضای سرکاربه ارسال آنها مفتخرگردم.

بااحترام و آرزوی پیروزی

پیوند تر سلطنت گروگان این است کلیک کنید یا کپی کنید و آنرا دنبال کنید

<http://1400years.org/AmirFeyz/Thesis-Saltanate-Gerokan-Amirfeyz-June09-2011.pdf>